

## معرفی

# ردیه‌های نگاشته شده بر تصوف

حمید خوشنویس

تأویل اسلامی، اتولوجیا فلوطین می‌باشد، پی‌ریزی کردند. با اینکه در دنیای اسلام صوفیان بزرگی درخشیدند، و بعضی از آنها نیز در مقام صحو، پاره‌ای از یافته‌های دوره سکر خود را نوشته و میراث گرانبهایی را از خود به ارث گذاشتند، ولی هرگز در میان علما و عامه مردم از اقبال چندانی برخوردار نبودند. دلایلی که ذیلاً به آنها اشاره خواهیم کرد سبب گردید که فقها و متشرعان مصیبت صوفیه را در عداد بزرگترین مصائبی به حساب آورند که در دنیای اسلام روی داده است. در این باب مرحوم آیه‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی در صفحه ۱۸۳ تعلیقات جلد اول احقاق الحق مطالب نغزی را نگاشته که جهت مزید اطلاع بخشی از آن را عیناً ترجمه می‌کنیم:

به نظر من مصیبت صوفیه گرانبازترین مصیبتی است که به اسلام وارد شده و ارکانش را درهم شکسته است. بعد از مطالعات بسیار و کنکاش در عبارات و کلمات به جا مانده از صوفیان، به این نتیجه رسیدم که جمله این مطالب را راهبان مسیحی در میان مسلمانان در انداختند و افرادی چون: حسن بصری، شبلی، معروف کرخی، زهری و جنید، آن را پذیرفته و تعلیم دادند. بدین ترتیب گروه صوفیان تشکیل گردید و آنان دست به تأویل کتاب و سنت زدند و با احکام عقل فطری به مخالفت

از روزی که انسان پا به عرصه گذاشته، به دنبال تبیین ارتباطات چهارگانه: ۱. ارتباط با خدا؛ ۲. ارتباط با جهان هستی؛ ۳. ارتباط با خود؛ و ۴. ارتباط با هم‌نوع بوده است. تقریباً همه علوم روحی به تعبیر دیلتای در صدد تبیین ارتباطات چهارگانه فوق‌اند و، به بیانی دقیق‌تر برآنند که به حیات بشر معنا بخشند. تصوف هر چند یک شاخه‌ای از دانش‌های مصطلح نمی‌باشد، ولی به عنوان یک نحله و مسلک فکری-عملی، نه تنها فرآیند ارتباطات فوق‌را می‌نمایاند، بلکه بهتر از هر معرفتی به حیات آدمی معنا می‌بخشد و در چهارچوب آموزه «وحدت وجود» انسان را به عنوان فاعل شناساگر با مبدأ وجود و دیگر کاینات متصل و متحد می‌گرداند.

تقریباً تصوف هم‌زمان با ظهور اسلام، در میان مسلمانان پدیدار شده است. گروهی از اصحاب پیامبر (ص) که در صُفّه مسجدالنبی (ص) در مدینه سکنی گزیدند، بزعم غالب تصوف‌پژوهان، بنیانگذار تصوف اسلامی‌اند، هر چند بعدها در قرون سوم و چهارم صوفیان مسلمان پاره‌ای از افکار هندوان، نوافلاطونیان و مسیحیان را اخذ کرده و با تعالیم اسلام ممزوج ساختند و در نتیجه به دست صوفیانی چون ابن عربی (وفات ۶۳۸هـ.ق)، و شاگرد نامدارش صدرالدین قونوی (وفات ۶۷۳) و غیره، تصوف و عرفان نظری را که چیزی چون تفسیر و

برخاسته، به «وحدت وجود» و یا به تعبیر بهتر به «وحدت موجود» اعتقاد یافتند. آنان در عبادت نوآوری کردند و به ذکر اورادی مداومت ورزیدند که مشحون بود از کفرگویی و ژاژخایی ...

ذیلاً به اختصار به دلایلی که باعث مخالفت فقها و متشرعان با صوفیه می گردید، اشاره می کنیم:

### ۱. وحدت وجود

وحدت وجود که از اصول تعالیم صوفیه است، البته بنیان عقلی ندارد و مبتنی بر کشف و شهود است. عصاره آموزه وحدت وجود این است که وجود ما به الامتیازش عین ما به الاشتراکش می باشد. لذا خدا و دیگر اشیاء عین همند. با این توضیح که ذات اقدس الهی از وجود اصیل برخوردار است و دیگر موجودات، وجود ظلی دارند و این نظریه بعضاً به نوعی کفرگویی منجر می شود. مثلاً محیی الدین عربی در فص هارونی می نویسد: «موسی از هارون آگاه تر بود، زیرا می دانست که مردم با گوساله پرستی خود در حقیقت خدا را پرستیده بودند و عتاب موسی به برادرش هارون از این جهت بوده که هارون گوساله پرستی را منکر شمرده و سعه صدر و وسعت مشرب نداشته است» در ادامه این مطلب می گوید: «عارف کسی است که حق را در هر چیزی می بیند، بلکه آن را عین هر چیزی می داند». (تاج الدین حسین خوارزمی، شرح فصوص الحکم، تحقیق: آیه الله حسن زاده آملی، قم ۱۳۷۷ هـ. ش/ ۹۶۶). فیازی به توضیح نیست که هر فقیه دین شناسی با این سخن به ستیزه برمی خیزد، و هیچ مسلمانی آن را بر نمی تابد.

### ۲. هم ارزنگاری ادیان و مذاهب

پرواضح است که ادیان الهی سیر تکاملی داشته اند و با توجه به نیازمندی های زمانه و قدرت درک مردم نازل شده اند، و چون اسلام خاتم ادیان الهی است از دیگر ادیان کامل تر و عقلانی تر است؛ هر چند سایر ادیان را رد نمی کند. امروزه به این نظریه «تکثرگرایی غیر فروکاهشی اسلامی» می گویند و مبدع آن پرفسور محمد لگنهاوزن می باشد (ر. ک: لگنهاوزن، اسلام و کثرت گرایی دینی، ترجمه جواندل، قم ۱۳۷۹ هـ. ش/ ۹۲). تاکنون هیچ متکلمی ادیان و مذاهب را هم ارز ندانسته و احدی نگفته که بت پرستی با توحید مساوی است. تکثرگرایی و تقریب مذاهب تنها برای جلوگیری از اختلافات ظاهری است تا

پیروان مذهب در سایه آرامش به مشکلات عمیق تری بیندیشند. در این زمینه صوفیان دامنه تساهل را بیش از حد گسترده ساختند و کفر و ایمان را جلیس و انیس همدیگر دانستند. مثلاً حافظ سروده:

گفتم صنم پرست مشو با صمد نشین  
گفتا بکوی عشق هم این و هم آن کنند  
گفتم شراب و خرقه نه آیین مذهب است  
گفت این عمل به مذهب پیر مغان کنند  
و ابن عربی نیز گفته:

عقد الخلائق فی الاله عقایدأ  
وانا اعتقدت جميع ما عقده

«مردمان هر کدام در مورد خدا اعتقادی دارند، من به همه اعتقادات آنها، معتقدم.»

واضح است که مسلمان معتقد به کتاب و سنت، با این آموزه مخالفت می کند.

### ۳. اعتقاد به حلول و اتحاد

ظاهراً حلول به این معناست که عارف چندان در ذات الهی قانی می شود که عین او می گردد. به نظر می آید این اعتقاد از هندوان مأخوذ شده باشد و در اواخر قرن سوم به اوج خود رسیده باشد. فقهای اسلام شدیداً با این اعتقاد مخالف بودند.

مرحوم مینوی می نویسد: «باور به حلول و اتحاد در جریان حسین بن منصور [معروف به حلاج، مقتول ۳۰۹ هـ. ق] به اوج خود رسید، چندان که هشتاد نفر از مشاهیر و قاریان عصر فتوا دادند که صلاح مسلمین در کشتن اوست. (ر. ک: فقد حال، ج ۲، ۱۳۵۱ هـ. ش/ ۴۱).

### ۴. ترجیح طریقت بر شریعت

صوفیه موضوعات دینی را به علم شریعت و طریقت تقسیم می کردند و به واسطه آن دریافت های قلبی و حالات شخصی خود را به احکام شرعی ترجیح می دادند، و همین امر سبب

مختلفی که این مختصر را مجال پرداختن به آن نیست، به زبان ایما و اشاره سخن می‌گویند، و در کلام خویش از واژگانی بهره می‌جویند که مورد پسند «مرزبانان دین» نمی‌باشد. اغلب صوفیان به دلیل شطح‌گویی و کاربرد کنایه و اشاره در گفتار، از طرف علما تکفیر شده‌اند. هاتف اصفهانی در ترجیع‌بند معروف خود به این واقعیت اشاره کرده است:

هاتف ارباب معرفت که گهی  
مست خوانندشان گهی هوشیار  
از می و جام و ساقی و مطرب  
وز مخ و دیر و شاهد و زنار  
قصد ایشان نهفته اسرار است  
که به ایما کنند گاه اظهار  
پی بری گر به رازشان دانی  
که جز این نیست سر آن اسرار  
که یکی هست و نیست هیچ جز او  
وحده لا اله الا هو

(احمد احمدی و رزمجو، سیر سخن، مشهد ۱۳۴۵ ه. ش، ج ۲/۲۱۲)

#### ۷. استفاده از آلات موسیقی و سماع

صوفیه برخلاف عامه مسلمین که تحت تأثیر احادیث مأثوره و فتاوی فقها، موسیقی را حداقل ناپسند می‌دانستند، شدیداً به موسیقی و سماع علاقه مند بودند و گاه در معابر عمومی نیز به پایکوبی و وردخوانی می‌پرداختند. عزالدین محمود کاشانی در این مورد می‌نویسد: «از جمله مستحسنان متصوفه که محل انکار بعضی از علماء ظاهر است، یکی اجتماع ایشان است برای سماع و غنا و الحان و استحضار قوال از بهر آن. (ر. ک: مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة، به تصحیح مرحوم جلال الدین همایی، تهران ۱۳۲۵ ه. ش/۱۷۹)

علاوه بر موارد فوق، شکم‌چرانی، فساد اخلاقی و مهمل گذاشتن احکام شرعی از طرف بعضی از صوفیان، عواملی بودند که فقها و شریعتمداران را بر ضد صوفیه برمی‌انگیختند و حتی موجب نفرت عامه مردم از آنان می‌شدند. خواننده محترم برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه می‌تواند به کتاب‌های تاریخ اجتماعی ایران، تألیف مرحوم مرتضی راوندی، مسائل عصر ایلخانیان، تألیف استاد دکتر منوچهر مرتضوی، و عشق صوفیانه، نوشته جلال ستاری؛ رجوع نمایند.

برانگیخته شدن عالمان احکام دینی می‌شد و بیش از همه خصومت حنبلیان را برمی‌انگیخت. یوسف بن حسین رازی (وفات ۳۰۴ ه. ق) می‌گوید: در بغداد به احمد بن حنبل - امام حنبله - گفتم برایم حدیث بگو، گفت: ای صوفی تو را با حدیث چه کار است؟ (ر. ک: کیانی، محسن، تاریخ خانقاه در ایران، ۱۳۶۹ ه. ش/۴۲۵).

#### ۵. تاویل آیات و روایات

شیعه امامیه با توسل به بعضی روایات، تاویل برخی از آیات قرآنی را پذیرفته است، لکن در این مورد خود را به اصولی ملتزم داشته و به دلخواه عمل نکرده است. و حق هم همین است که بعضاً تاویل اجتناب‌ناپذیر می‌باشد، و الا اعتقاد به ظواهر برخی از آیات، نهایتاً به تجسیم منجر می‌شود. از سوی دیگر افراط در تاویل نیز به کفرگویی منتهی می‌گردد. از باب مثال ابن عربی در فص نوحی فصوص الحکم، آیه مبارکه **ولا تزدد الظالمین الا ضلالاً** (سوره نوح/۲۵) که حضرت نوح (ع) در ضمن آن قوم خود را نفرین کرده، چنین تاویل می‌کند: «خدایا کسانی که با ظلم بر نفس (به سبب ترک حظوظ نفس و لذات دنیا) به مقام «فناء فی الله» رسیده و در ذات تو، فانی شده‌اند، آنان را جز علم و معرفت که موجب حیرت انسان کامل در ذات تو می‌شود، میفزای، چنانکه پیامبر (ص) فرمود: رب زدنی فیک تحیراً. (ر. ک: جواد تهرانی، عارف و صوفی چه می‌گویند، تهران ۱۳۵۲ ه. ش/۶۷) چنانکه از عبارات ابن عربی برمی‌آید، وی نفرین را در فرآیند تاویل به دعای خیر برگردانده و این به نظر شرع‌مداران و نبی‌خوانان جز تفسیر به رأی نمی‌باشد و آن نیز بنا به فرموده پیامبر (ص) مذموم و مطرود است.

#### ۶. استفاده از کلام رمزی

معمولاً صوفیه با استناد به «المجاز فطره الحقیقه» و به دلایل



۳۱. حدیقة الشیعه  
مقدس اردبیلی، احمد  
نسبت این کتاب به مرحوم مقدس اردبیلی قطعی نیست؛  
ولی علامه برقی آن را قطعاً از مقدس می‌داند. در این اثر فصلی  
مشبع در نقد و ردّ صوفیه آمده است.
۳۲. حقیقة العرفان  
قمی، سید ابوالفضل رضوی، نشر: بی جا، بی تا  
این کتاب در بیان هدایت قرآن، و راهنمای گمشدگان نوشته  
شده است. رساله التفتیش در هویت عارف، صوفی، حکیم و  
شاعر و درویش، نیز در ضمیمه کتاب به چاپ رسیده است.
۳۳. حلول الحلول  
شهرستانی، سیده‌اله‌الدین  
۳۴. حکمة العارفين  
علامه شیخ محمد طاهر قمی شیرازی  
مؤلف، استاد اجازة علامه مجلسی بوده است.
۳۵. خلوة‌خانه  
مرعشی، سید عبدالفتاح  
۳۶. خیراتیة: در ابطال طریقه صوفیة  
[آقا] محمد بن علی بن وحید بهبهانی، انتشارات انصاریان،  
قم، به تحقیق سید مهدی رجایی، ۲ جلد: ج ۱/ ۴۸۶ ص و  
ج ۲/ ۴۶۹ ص.
۳۷. دبستان المذاهب  
مؤلف این کتاب از رجال سده ۱۱ هـ. ق بوده، و صوفیان را  
مقابل و معارض مسلمین دانسته است.
۳۸. درایة نثار در ردّ صوفیه  
علم الهدی ابن ملامحسن، فیض کاشانی  
در این کتاب مؤلف از صوفیان به خنیاگران تعبیر کرده است.
۳۹. ذخیره المؤمنین (فی ردّ الصوفیة المبتدعین)  
مؤلف؟  
در «السهام المارقه» شیخ علی عاملی (وفات ۱۱۰۳ هـ. ق)  
از آن یاد شده است.
۴۰. ذرایع البیان  
طبسی نجفی، شیخ محمدرضا  
مؤلف این کتاب را به عنوان ذیلی برای «الصوفیة المبتدع»  
نوشته است.
۴۱. ذکرى الصوفیه  
شهرستانی، سید محمدعلی، هبه‌الدین  
این رساله منظومه‌ای است ناتمام در ردّ صوفیه.
۲۴. التصوف و المتصوفه فی مواجهة الاسلام  
الخطیب، عبدالکریم، دارالفکر العربی، قاهره ۱۹۸۰ م، ۳۰۳ ص.  
۲۵. التفتیش در ردّ مسلک صوفی و درویش  
علامه برقی، سید ابوالفضل  
مؤلف در این کتاب معتقد است صوفیه از قبیل: وحدت  
وجود، حلول و غیره را به نقد کشیده است.  
این کتاب تاکنون چندین و در اندازه‌های مختلف به چاپ  
رسیده است.
۲۶. تلبیس ابلیس  
ابوالفرج، عبدالرحمن بن الجوزی (وفات ۵۹۷ هـ. ق).  
این کتاب را آقای علیرضا ذکاوتی قراگوزلو به فارسی  
برگردانده، و در انتشارات امیرکبیر به چاپ رسیده است.  
مؤلف در این کتاب مبحث ردّ صوفیان را به این دو بیت  
ابوالعلاء معری ختم کرده است:  
«أرى جیل التصوف شرّ جیل  
فَقُلْ لَهُمْ وَاهُونَ بِالْحُلُولِ  
أَقَالَ اللَّهُ حِينَ عَشَقْتُمُوهُ  
كَلُوا أَكْلَ الْبَهَائِمِ وَارْقُصُوا لِي»
۲۷. التنبيهات الجلیة  
شیخ محمد کریم  
این کتاب در کشف اسرار باطنیه از صوفیه و غیرهم نوشته  
شده است.
۲۸. تنبیه الغافلین  
محمود بن محمد علی بن وحید بهبهانی (وفات ۱۲۶۹ هـ. ق).
۲۹. جواهر العقول  
محمدباقر مجلسی (وفات ۱۱۱۱ هـ. ق)  
این کتاب نوشته‌ای است رمزی که در ضمن آن معایب  
صوفیه بر شمرده شده است.
۳۰. حجّت قوی  
خراسانی، شیخ جواد  
مؤلف، این کتاب را در ردّ مولوی و مثنوی معنوی نوشته است.

۴۲. رازگشا

عباسعلی کیوان معروف به کیوان قزوینی  
مؤلف، واعظی بود که هفده سال قطب صوفیان بوده که بدعت‌ها  
دید و توبه نمود و بعدها در نوشته‌ها و منابرش مشت آنان را باز کرد.

۴۳. رازگشا

مرعشی، سید عبدالفتاح بن ضیاءالدین محمد  
وی از احفاد خلیفه سلطان و نیای سید شهاب‌الدین مرعشی  
- کتابشناس معروف - بوده است.

۴۴. ردّ تصوف و حکمة الاشراق

موسی جوان، تهران ۱۳۴۷ هـ. ش.

۴۵. ردّ الصوفیه

حائری، محمدباقر بن مهدی

این کتاب در ۱۳۵۸ هـ. ق تألیف شده است، و نسخه خطی

آن در کتابخانه آیه‌الله مرعشی موجود می‌باشد.

۴۶. رساله‌ای در ابطال تصوف

محمدرضی بن محمد نبی قزوینی

خطی: کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران ش؟

۴۷. رساله خیرات

[آقا] محمدعلی مجتهد کرمانشاه

اهل تصوف می‌گویند: به دلیل اشتغال این کتاب بر کلمات

رکیک و سخیف و فحاشی، کتاب خود نقض‌نامه‌ای علیه  
نویسنده است.

۴۸. رساله رضوان اکبر

خراسانی، حاج شیخ جواد

این کتاب متضمن ردّ تصوف و انتقاد از دیوان حافظ شیرازی،

و نقض خرابیات و خانقاه می‌باشد.

۴۹. رساله فی الرد علی الجنیدیّه

شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (وفات ۳۸۱ هـ. ق)

۵۰. رساله فی الرد علی الصوفیه

حائری، مولی محمدباقر بن مولی مهدی

۵۱. الرد علی اصحاب التناسخ والغلاة من الصوفیه

النوبختی، ابو محمد الحسن

۵۲. الرد علی اصحاب الحلاج

محمد بن محمد بن نعمان، معروف به شیخ مفید (وفات

۴۱۳ هـ. ق).

۵۳. الرد علی اصحاب الصفات و بطلان الحلاج و الشلمغانی

أبوسهل نوبختی

وی از یاران و نزدیکان امام حسن عسگری (ع) بوده است.

۵۴. الرد علی الصوفیه

گویا این کتاب را جمعی از علمای معاصر محقق اردبیلی  
نوشته‌اند.

۵۵. الرد علی الصوفیه

این کتاب را یکی از علمای هم‌عصر مقدس اردبیلی، از  
حدیقه الشیعه برگرفته است.

۵۶. الرد علی الصوفیه

مؤلف از امراء فتحعلی شاه قاجار بوده است.

خطی: کتابخانه حسینیه شوشتری‌های نجف

۵۷. الرد علی الغالیه

ابواسحاق کاتب

وی از اصحاب امام حسن عسگری بوده است.

۵۸. الرد علی الصوفیه

قمی، میرزا ابوالقاسم بن حسن محقق

در جامع الشتات از این کتاب یاد شده است.

۵۹. الرد علی الصوفیه

شبروی، شیخ احمد بن محمد التونی. وی معاصر شیخ حرّ  
عاملی بوده است.

۶۰. الرد علی الصوفیه

اسماعیل بن محمدحسین خاجونی (وفات ۱۱۷۳ هـ. ق)

۶۱. الرد علی الصوفیه

اسماعیل بن محمدحسین، مازندرانی

۶۲. الرد علی الصوفیه

بنگوری، سید اعظم سید علی

وی شاگرد سید دلدار علی بود که هردو از بزرگان و علمای  
هند به شمار می‌آمدند.

۶۳. الرد علی الصوفیه

حسن بن محمدعلی یزدی

وی شاگرد سید محمد مجاهد بوده و این کتاب را در  
۱۲۳۱ هـ. ق تألیف کرده است.

۱۱۳۵ هـ. ق، آن را نوشته و به قاضی فرستاد و قاضی براثت خویش را از آن طایفه در مکتوبی ابراز کرد. زیرا قزوینی او را هم از صوفیه می پنداشت.

۷۴. الردّ علی الصوفیه و (الفلاسفه)

سید محمدعلی بن محمد مؤمن، طباطبایی  
این کتاب در ۱۳۲۱ هـ. ق، تألیف شده و نسخه خطی آن در کتابخانه عمومی کربلا موجود می باشد.

۷۵. الردّ علی الصوفیه

محمدطاهر بن محمدحسین، شیرازی قمی (وفات ۱۰۹۸ هـ. ق)  
در این رساله، ردّی منسوب به محمدتقی مجلسی و ردّی دیگر از محمدطاهر موجود است که هر سه در مجموعه ای به نام اصول فصول التوضیح گردآوری شده است.

۷۶. الردّ علی الصوفیه

مولی مطهر بن محمد، المقدادی  
مؤلف این اثر در ۱۰۶۰ هـ. ق نوشته و در ضمن آن گفته است که حکم تفسیق و تکفیر صوفیان را بسیاری از علمای بزرگ مانند محقق سبزواری و غیره مطرح کرده اند.

۷۷. الردّ علی اولی الرقص

یحیی بن حسن (وفات ۲۷۷ هـ. ق)  
چنان که نوشته اند: مؤلف نسب شناسی بی نظیر بوده است.

۷۸. الردّ علی اهل البدع

علی بن ابی لهل، ابوالحسن مشهور به حاتم قزوینی  
وی استاد استاد نجاشی صاحب الرجال است.

۷۹. الردّ علی اهل البدع

سید قاضی، هاشمی

۸۰. الردّ علی الأهواء الباطله

ابوعبدالله الصفوانی

وی از شاگردان مرحوم کلینی صاحب «الکافی» بوده است.

۸۱. الردّ علی من قال بوحدة الوجود و رؤیة الباری

ابو محمد، حسن نوبختی

برای اطلاعات بیشتر راجع به مؤلف به کتاب خاندان نوبختی از استاد فقید عباس اقبال آشتیانی رجوع شود.

۸۲. الردّ علی من یبیح الغنا

شیخ علی نواده صاحب «معالم»

۸۳. ردّ المغاطله

مؤلف؟

این کتاب در ردّ نغمه عشاق از صوفیه و غیرهم و حرمت ضرب و دف و طبل، نوشته شده است.

۶۴. الردّ علی الصوفیه والغالیه

اهوازی، حسین بن سعید

وی از اصحاب امام رضا(ع) و ثقه بوده و تألیفات زیادی داشته است.

۶۵. الردّ علی الصوفیه

سید دلدار علی مجتهدی نصرآبادی (وفات ۱۲۳۵ هـ. ق).  
وی از شاگردان بحر العلوم بوده است.

این کتاب مشتمل بر یک خاتمه و چهار مقصد و یک خاتمه می باشد.

خطی: کتابخانه مرحوم کاشف الغطاء: نجف ش؟

۶۶. الردّ علی الصوفیه

(علامه) شیخ علی بن فضل الله مازندرانی

۶۷. الردّ علی الصوفیه

سید فاضل بن قاضی هاشمی، دزفولی (وفات ۱۳۴۴ هـ. ق)  
نسخه خطی این کتاب نزد فرزند مؤلف موجود می باشد.

۶۸. الردّ علی الصوفیه

میرزای قمی صاحب «القوانین»

۶۹. الردّ علی الصوفیه

(علامه) کراچکی

وی از معاصران شیخ طوسی (ره) بوده است.

۷۰. الردّ علی الصوفیه

شیخ محمد بن عبد علی آل عبد الجبار، القطیفی

۷۱. الردّ علی الصوفیه

میر محمدتقی بن محمدعلی، کشمیری

در تسلیة القلوب مطالبی از این کتاب نقل شده است.

۷۲. الردّ علی الصوفیه

احتمالاً از: محمدجعفر بن محمدباقر، کرمانشاهی

خطی: کتابخانه خوانساری در نجف اشرف ش؟

۷۳. الردّ علی الصوفیه

حاج محمدرضی قزوینی

وی معاصر خلیل بن اشرف قاضی است که در حدود

۸۴. رساله صناعیه  
میر ابوالقاسم معروف به میرفندرسکی (وفات ۱۰۵۰ هـ. ق)  
در این رساله، مؤلف صوفیان را به دلیل ترک اسباب و تمسک به توکل، مخجل نظم جامعه و تعطیل معاش تلقی کرده است.
۸۵. رموز الخفیة فی ردّ الصوفیه  
حاج شیخ ابوالفضل، خراسانی
۸۶. روشن باز در ردّ گلشن راز  
شیخ جواد، خراسانی  
این کتاب به نظم و بر وزن گلشن راز محمود شبستری است.
۸۷. زاد المرشدین (فی ردّ الصوفیه المبتدعین)  
شیخ علی بن محمد بن حسن بن شهید ثانی
۸۸. الزهد والتصوف بین المؤیدین والمعارضین  
الحربی، زینب محمد رجاء الله، نشر: الرئاسة العامة لتعليم البنات: عربستان، ۱۴۱۰ هـ. ق  
این کتاب رساله دکترای مؤلف می باشد.
۸۹. سلوة الشیعة و قوّة الشریعة  
میرلوحی؟  
خطی: ۱. مکتبه آیه الله مرعشی نجفی ش ۴۰۱۴؛ ۲. کتابخانه آیه الله گلپایگانی مجموعه ۱۵۶۱
۹۰. السهام المارقة (من أغراض الزنادقة)  
علی بن محمد بن حسن بن شهیشانی (وفات ۱۱۰۴ هـ. ق)  
خطی: کتابخانه آستان قدس رضوی ش ۱۵۰ و ۶۷۲
۹۱. السیوف البارقه (علی هام الصوفیه المارقة)  
شیخ ذبیح الله بن محمدعلی، محلاتی  
این کتاب در ۱۳۴۰ هـ. ق تألیف شده است.
۹۲. السیوف الحادّة (فی افناء الملاحدة)  
مؤلف؟  
گویا مؤلف از اعلام سده ۱۲ هـ. ق بوده است. در نصیحة الکرّم به نقل از نزول الصواعق از آن یاد شده است.
۹۳. الشهاب الثاقب  
ملافتح الله وفانی، شوشتری  
مؤلف این کتاب را به سال ۱۲۹۴ هـ. ق، به دستور شیخ جعفر شوشتری نوشته است.
۹۴. شهاب المؤمنین  
سید احمد بن زین العابدین  
وی شاگرد و داماد میرداماد بوده است.
۹۵. الشهب السماویة فی ردّ الصوفیه و البایة  
شیخ محمد کاظم معروف به افصح المتکلمین
- مرحوم آغابزرگ تهرانی نوشته است که نسخه خطی کتاب را دیده است.
۹۶. صوفیگری  
احمد کسروی، انتشارات فرخی، تهران، چاپ ۶، ۷۱ ص
۹۷. عارف و صوفی چه می گویند؟  
تهرانی، جواد، نشر بعثت، چاپ هفتم، ۲۸۰ ص  
این کتاب شامل بحثی در اصطلاحات صوفیه، مبادی عرفان، وحدت وجود، و تأویل از نظر صوفیه می باشد. مؤلف، اغلب مباحث خود را به فصوص الحکم ابن عربی و تاریخ تصوف مرحوم غنی منتسب می کند.
۹۸. عرفان و عارف نمایان  
ملاصدرا شیرازی (وفات ۱۰۵۱ هـ. ق)؛ مترجم: محسن بیدارفر، انتشارات الزهراء، تهران ۱۴۰۵ هـ. ق، ۱۷۲ ص.  
این کتاب ترجمه کسر اصنام الجاهلیه است که مرحوم محدثی دانش پژوه آن را تصحیح کرده است.
۹۹. عمدة المقال (فی کفر اهل الضلال)  
شیخ حسن یا (حسین) بن علی محقق، کرکی  
وی این کتاب را در ۹۷۲ هـ. ق به نام شاه طهماسب صفوی تألیف کرده است.
۱۰۰. عمود النور (فارسی و ترکی)  
اردبیلی، میرزا علی اکبر بن محسن  
مؤلف این کتاب را در سه مقصد: ۱. در ردّ شیخیّه و بایّه و صوفیه؛ ۲. در تعلیم و تعلّم اسلامی؛ ۳. اصول دین، نوشته است. مقصد سوم کتاب به زبان ترکی است و به عوام الناس معروف است و چاپ هم شده است.
۱۰۱. عنوان البراهین/ البراهین الجلیّه  
گنابادی، حاج شیخ علی معصومی (وفات ۱۳۷۹ هـ. ق)
۱۰۲. عنوان المعارف  
گنابادی، حاج شیخ علی معصومی
۱۰۳. عین الحیاة  
مؤلف؟



- در کتاب نزول الصواعق از این کتاب یاد شده است. (ر. ک):  
مصنفات شیعه ج ۵/۲۱۹)
۱۱۳. القسطاس المستقیم  
همدانی، سید حسین بن محمد تقی (وفات ۱۳۴۴ هـ. ق)  
این کتاب در رد صوفیه قائل به حلول و اتحاد است.  
خطی: کتابخانه آیه الله مرعشی ش؟
۱۱۴. قطع المقال فی رد اهل الضلال  
[آقا] محمد علی، مجتهد کرمانشاه  
مرحوم زرین کوب در دنباله جستجو در تصوف ایران،  
ص ۳۵ از این کتاب یاد کرده است.
۱۱۵. کتاب بی طرف در رد صوفیه  
کاشانی، حاج محمود  
۱۱۶. کسر الاصنام الجاهلیه  
صدرالدین، محمد بن ابراهیم معروف به ملاصدرای  
شیرازی (وفات ۱۰۵۱ هـ. ق)  
این کتاب در ۱۰۲۷ هـ. ق تألیف شده و دارای یک مقدمه،  
چهار مقاله و خاتمه می باشد.
۱۱۷. کشف الاشتباه  
محلّاتی، ذبیح الله  
۱۱۸. کشف التهمه  
محلّاتی، شیخ ذبیح الله  
این اثر در جواب تمتهای صوفیه نوشته شده است.  
۱۱۹. کشف القناع عن اعتقاد طوائف الابتداع  
عبدالحفیظ فرغلی، علی القرنی  
این رساله در ۴۴ صفحه چاپ شده است.  
۱۲۰. کشف معائب المتصوفه  
مؤلف؟  
این اثر از مآخذ الصراط المستقیم بیاضی است که در ۸۵۴ هـ. ق  
تألیف شده است.
۱۲۱. کلمة فی التصوف  
مازندرانی سمنانی، شیخ محمد صالح  
۱۲۲. مجامیع فی رد الصوفی  
محمد بن مکی معروف به شهید اول  
۱۲۳. مجموعه الردود علی الصوفیه و المسیحیه  
میرزا عبدالرزاق بن علی رضا، محدث همدانی (وفات  
۱۲۹۱ هـ. ق)
۱۲۴. محیی القلوب (للمصوفیین المنحرفین عن منهج الصواب)  
مؤلف؟
- در رد صوفیه است و در سهام المارقه شیخ علی مذکور می باشد.  
۱۰۴. عین الحیاة  
محمد باقر، مجلسی  
مؤلف در این اثر با قدح و طعن صوفیه ظاهر آبر آن است که  
عوام را از جنبه های نامطلوب تصوف باز دارد.
۱۰۵. فتاوی ذم صوفیه  
استفتاء از علما در باب صوفیه، از جمله فتاوی احمد بن  
زین العابدین علوی عاملی؛ میرزا رفیع الدین نائینی؛ میرزا  
حبیب الله و میرزا نورالدین  
خطی: کتابخانه مجلس ش؟
۱۰۶. فرجیه  
اسدالله بن عبدالغفار، ثمرخواستی مازندرانی  
مؤلف معاصر فتحعلی شاه قاجار بوده، و این کتاب را به نام  
شاهزاده محمد علی میرزا نگاشته.
- خطی: کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران ش؟  
۱۰۷. فضائح الصوفیه  
آل آقا، محمود بن آقا محمد علی، انتشارات انصاریان،  
تحقیق مؤسسه علامه مجدد وحید بهبهانی، قم ۱۴۱۳ هـ. ق،  
۲۵+۳۵۵+۱۳۷ صفحه.
۱۰۸. الفکر الصوفی فی ضوء الکتاب والسنة  
عبدالرحمن، عبدالخالق، نشر: مکتبه ابن تیمیّه، د. ت، طبع ۲.  
۱۰۹. الفوائد الدینیّه (فی الرد علی حکماء و الصوفیه)  
ملا محمد طاهر بن محمد حسین، شیرازی  
۱۱۰. الفوائد الدینیّه  
سید هبه الدین، شهرستانی  
۱۱۱. الفوائد الکوئیه (فی رد مکائد الصوفیه)  
نهادندی، شیخ علی اکبر بن محمد حسین  
مؤلف، این کتاب را در دوازده مجلس در مسجد کوفه تبیین  
کرده است.
۱۱۲. قره العیون  
مؤلف؟

خطی: دارالکتب قاهره ش؟

این نسخه به خط محمد معروف به قاضی زاده استنساخ شده است.

۱۲۵. مسلک المرشدین

مؤلف؟

در کتاب الرد علی الصوفیه و الفلاسفة بهبهانی از آن نقل

شده است.

۱۲۶. مصارع الملحدین (فی رد الصوفیه و المتفلسفین)

فاضل قندهاری، ملا عبدالله بن نجم الدین

۱۲۷. معارف القرآن

یزدی، شیخ عبدالله

۱۲۸. معیار العقاید

مؤلف؟

در السهام المارقه از این کتاب اسم برده شده است.

۱۲۹. مغنی (فی رد الصوفی)

گنابادی، شیخ علی (وفات ۱۳۳۲ هـ. ق)

این کتاب به فارسی نوشته شده و در مشهد به طبع رسیده است.

۱۳۰. مقصد المهدتین

مؤلف؟

در السهام المارقه از این کتاب ذکری رفته است.

۱۳۱. المطاعن المجرمیه

شیخ نورالدین، ابوالحسن علی بن حسین محقق کرکی

(وفات ۹۴۰ هـ. ق)

در سلوة الشیعه از این کتاب یاد شده است.

۱۳۲. المطاعن المذنبیه

قزوین، میرزا محمدرضا بن محمدباقر

مؤلف، این کتاب را در ۱۲۳۶ هـ. ق، در یک مقدمه و

دوازده حدیقه و به دستور استادش سید محمد مجاهد، نوشته و

به فتحعلی شاه پیشکش کرده است.

۱۳۳. المطرقة (فی الرد علی المتصوفه)

[مفتی] میرعباس بن علی اکبر، لکنهوی (وفات ۱۳۰۶ هـ. ق).

۱۳۴. من قضایا التصوف فی ضوء الكتاب والسنة

محمد السید الجلیند؛ مکتبه الزهراء، القاهره ۱۹۹۰ م،

۲۵۰ صفحه.

۱۳۵. موش و گربه

شیخ بهاءالدین عاملی معروف به شیخ بهایی (وفات ۱۰۳۱ هـ. ق).

این کتاب، ممزوجی از نظم و نثر است، و به تازگی به چاپ

رسیده است.

۱۳۶. موش و گربه

علامه محمدباقر مجلسی (وفات ۱۱۱۱ هـ. ق).

این اثر، منشور است و به زبان تمثیل در رد صوفیه نگارش

یافته است.

۱۳۷. الموسوعة الصوفیه (اعلام التصوف و المنکرین

علیه والطرق الصوفیه).

عبدالمنعم، الحنفی؛ دارالرشاد، قاهره، طبع اول،

۱۴۱۲ هـ. ق، ۴۲۴ صفحه.

در این کتاب از منکران تصوف، جانبدارانه و به تفصیل

سخن گفته شده است.

۱۳۸. میزان المطالب

تهرانی، میرزا جواد آقا

۱۳۹. نزول الصواعق لإحراق المنافق

مؤلف؟

در نصیحة الکرام ملا عصام از این اثر یاد شده است.

۱۴۰. نفثه المصدور

نیشابوری، میرزا محمد بن عبدالنبی

۱۴۱. نفحات الملكوتیه

شیخ یوسف صاحب حدائق

۱۴۲. الوقیعه

مؤلف؟

در رد صوفیه نوشته شده و در «نزول الصواعق» مطالبی از آن

درج شده است.

۱۴۳. هدایت نامه

تهرانی، شیخ محمدرضا، شریعتمدار

این کتاب ردیه ای است بر سعادتنامه گون آبادی. نسخه ای

از این نوشته نزد فرزند مؤلف شیخ جواد شریعتمداری موجود

است.

